

## کتاب دانیال - شماره صد و سی و دو

پرده برداری از اهمیت نبوی آزمون دوم: شناخت تمثال وحش و زمان مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰ نفر

Jeff Pippenger

2024-03-12

در مقالات پیشین وقت صرف کردیم تا ویژگی‌های نبوی آزمون دوم از میان سه آزمونی را که به وسیله سه فرشته نمایانده شده‌اند، شناسایی کنیم. هر فرشته آزمونی مشخص را نمایندگی می‌کند و آزمون دوم به صورت یک آزمون بصری بازنمایی می‌شود. ما هر سه فرشته را شناسایی کردیم و آزمون‌های متناظرشان نیز در فصل نخست دانیال مشخص شده‌اند؛ جایی که دومین آن سه آزمون بر پایه ظاهر دانیال و سه مرد شایسته پس از پیروی آنان از رژیم گیاه‌خواری به جای رژیم بابلی بنا شده بود. ویژگی دیگری از آزمون دوم این است که غالباً با نمایی از اتحاد کلیسا و دولت نشان داده می‌شود.

هر سه فرشته و آزمون‌های مربوط به آن‌ها در سقوط بابل نمود در باب یازدهم سفر پیدایش مشخص می‌شوند. آن سه آزمون در آنجا با سه بار به کار رفتن عبارت «to to» در آیات سه، چهار و هفت نمایانده شده‌اند. دومین کاربرد عبارت «to to» در آیه چهار، آزمون فرشته دوم را مشخص می‌کند.

و گفتند: بیا بید، برای خود شهری و برجی بسازیم که سرش به آسمان برسد؛ و برای خود نامی دست‌وپا کنیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم. پیدایش ۱۱:۴

یک شهر نمایانگر یک دولت است، و یک برج نمایانگر یک کلیساست. آن‌ها همچنین در پی سرشتی مشخص بودند، چنان‌که در میل‌شان به اینکه برای خود نامی بسازند نمایان است. در آزمون دوم، سرشت غالباً آشکار می‌شود، و این آشکار شدن از رهگذر تقابل با سرشتی متضاد صورت می‌گیرد؛ چنان‌که در قابیل و هابیل، دوشیزگان دانا و نادان، یا در آزمون دوم دانیال، در تفاوت ظاهری میان کسانی که خوراک بابل را می‌خوردند و کسانی که حبوبات می‌خوردند، نمود دارد.

از تو خواهش می‌کنم، بندگانت را ده روز بیازمای؛ و بگذار به ما حبوبات برای خوردن و آب برای نوشیدن بدهند. سپس بگذار در حضور تو به چهره ما و چهره جوانانی که از سهم خوراک پادشاه می‌خورند نگاه کنند؛ و چنان‌که می‌بینی، با بندگانت رفتار کن. پس او در این امر با آنان موافقت کرد و ایشان را ده روز آزمو. و در پایان ده روز، چهره‌هایشان نیکوتر و از حیث تن فربه‌تر از همه جوانانی که از سهم خوراک پادشاه می‌خوردند به نظر رسید. دانیال ۱۲:۱۳-۱۵.

در تاریخ میلریتی‌ها، آزمون فرشته دوم دو دسته از پرستندگان را آشکار کرد. آن دسته که در آزمون مردود شد، دختران روم شدند؛ دسته دیگر وفادارانی بودند که به پیروی از نور پیش‌رونده ادامه دادند. دختران روم سیما و ویژگی‌های نبوی مادر را باز می‌تابند، و آن مادری که ایشان دختران او شدند به عنوان مادر فواحش شناخته می‌شود. در زبان نبوت، فاحشه کلیسایی است که با دولت وارد رابطه می‌شود، چنان‌که نمونه‌اش نظام پاپی است.

فرشته نخست از سه فرشته در باب چهاردهم مکاشفه، هر سه آزمون مربوط به آن سه فرشته را در بر دارد؛ باب نخست دانیال نیز چنین است. در باب دوازدهم دانیال نیز فرایند آزمون سه مرحله‌ای مشخص شده است؛ بنابراین این فرایند سه مرحله‌ای هم در آغاز و هم در پایان کتاب دانیال دیده

می‌شود.

بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیریان شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شیریان نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۱۰

آزمون نخست در آیه دوازده، تطهیری است که در صحن معبد رخ می‌دهد؛ جایی که بره ذبح می‌شود و عادل شمردگی به گناهکار محسوب می‌شود. آزمون دوم در آیه دوازده، سپید گردیدن است که به وسیله قدس معبد نمایانده می‌شود و نمایانگر زمانی است که تقدیس به مؤمن اعطا می‌شود. گام سوم، آزموده شدن است که داوری قدس‌الاقداس را بازنمایی می‌کند؛ جایی که قوم خدا مهر می‌شوند و جلال‌یافتگی تحقق می‌یابد. دو طبقه عبادت‌کنندگان با شیرانی که درک نمی‌کنند و حکیمانی که درک می‌کنند نمایانده شده‌اند.

آزمون دوم، که بارها در کلام مقدس به تصویر کشیده شده است، بیانگر یک آزمون دیداری است که در آن دو دسته از عبادت‌کنندگان آشکار می‌شوند و ترکیب کلیسا و دولت به صورت نمادین نشان داده می‌شود. به همان اندازه مهم است که یکی از ویژگی‌های آزمون دوم این است که بر آزمون سوم مقدم است، و آزمون سوم نمایانگر داوری است. با این حال، تبصره مهمی درباره داوری آزمون سوم وجود دارد، زیرا هر یک از سه آزمون دربرگیرنده داوری است، اما دو آزمون نخست در مقطعی از تاریخ قرار می‌گیرند که تکوین شخصیت هنوز ممکن است. آزمون سوم متفاوت است، بدین معنا که محکی نبوی است که صرفاً مشخص می‌کند در دو گام پیشین فرایند آزمون، به کدام دسته از عبادت‌کنندگان تبدیل شده بودید.

در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، که در 11 سپتامبر 2001 آغاز شد و در قانون یکشنبه در ایالات متحده پایان می‌یابد، سه آزمون وجود دارد. نخستین آزمون زمانی بود که فرشته در 11 سپتامبر 2001 نازل شد، و مطابق با فرشته‌ای که در تاریخ میلریتی در 11 اوت 1840 نازل شد، این آزمون آزمونی بر سر رژیم غذایی است. در باب نخست کتاب دانیال، نخستین آزمون زمانی بود که دانیال در دل خود عزم کرد خوراک پادشاه را نخورد. وقتی روح‌القدس در هنگام تعمید مسیح نازل شد و او سپس چهل روز روزه گرفت، نخستین آزمون او بر سر رژیم غذایی بود.

آزمون سوم و نهایی در زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار، قانون یکشنبه است. در آن زمان، همه کسانی که از الزامات سبت روز هفتم آگاهی دارند و پرستش در روز خورشید را برمی‌گزینند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد و برای ابد هلاک خواهند شد. پس از سه سال، در باب نخست دانیال، دانیال و آن سه مرد شایسته را نزد نبوکدنصر بردند (نمادی از قانون یکشنبه) تا بر پایه آموزش سه سال گذشته‌شان داوری شوند. وقتی پدر و پسر در داستان شورش نمرود، در سومین «بیاپید»، فرود آمدند، هدف این بود که زبان‌شان را مغشوش سازند و آنان را در سراسر زمین پراکنده کنند. آزمون سوم، محکی قاطع است که این دو گروه را برای ابد از هم جدا می‌کند.

هم مثل علف‌های هرز و هم مثل تور به‌روشنی می‌آموزند که هرگز زمانی فرا نخواهد رسید که همه شیریان به سوی خدا بازگردند. گندم و علف‌های هرز تا موسم درو با هم می‌رویند. ماهی‌های خوب و بد با هم به ساحل کشیده می‌شوند تا جدایی نهایی صورت گیرد.

«بار دیگر، این مثل‌ها می‌آموزند که پس از داوری دیگر مهلت توبه‌ای در کار نخواهد بود. هنگامی که کار انجیل به پایان برسد، بلافاصله جدایی میان نیکان و بدان صورت می‌گیرد و سرنوشت هر گروه برای همیشه تعیین می‌شود.» درس‌های عینی مسیح، ۱۲۳.

زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر با قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع به پایان می‌رسد و میان آن آزمون سوم و آزمون نخست که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، آزمون دوم بر ادونتیسیم لائودیکیه‌ای

نازل می‌شود. «پس از داوری مهلت آزمایشی وجود ندارد»، زیرا در آن هنگام کار انجیل برای صد و چهل و چهار هزار نفر به پایان می‌رسد.

خواهر وایت در جاهای مختلف تعلیم می‌دهد که اگر در آزمون نخست قبول نشویم، در آزمون دوم نیز نمی‌توانیم قبول شویم، و بدون آن که آزمون دوم را با موفقیت بگذرانیم، شکست خود را در آزمون سوم، یعنی محک نهایی، نشان خواهیم داد.

توجهم به اعلام ظهور نخستین مسیح معطوف شد. یوحنا در روح و قدرت ایلیا فرستاده شد تا راه عیسی را آماده کند. کسانی که شهادت یوحنا را رد کردند، از تعالیم عیسی بهره‌ای نبردند. مخالفتشان با پیامی که آمدن او را از پیش خبر می‌داد، ایشان را در موقعیتی قرار داد که نتوانند به آسانی قوی‌ترین دلایل اینکه او مسیح است را بپذیرند. شیطان کسانی را که پیام یوحنا را رد کرده بودند واداشت که فراتر روند: مسیح را رد کنند و او را مصلوب سازند. با این کار، خود را در جایی قرار دادند که نتوانستند برکت روز پنتیکاست را دریافت کنند؛ برکتی که می‌توانست راه ورود به قدس آسمانی را به آنان بیاموزد. دریده شدن پرده هیکل نشان داد که قربانی‌ها و فرایض یهودی دیگر پذیرفته نخواهند شد. قربانی بزرگ تقدیم و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنتیکاست نازل شد، ذهن‌های شاگردان را از قدس زمینی به آسمانی برد؛ جایی که عیسی با خون خود داخل شده بود تا منافع کفاره خویش را بر شاگردانش فرو بریزد. اما یهودیان در تاریکی مطلق رها شدند. آنان همه نوری را که می‌توانستند درباره طرح نجات داشته باشند از دست دادند و همچنان به قربانی‌ها و هدایای بی‌فایده خود اعتماد کردند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، اما آنان از این تغییر آگاهی نداشتند. از این رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.

بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در رد و به صلیب کشیدن مسیح می‌نگرند؛ و چون تاریخ بدرقتاری شرم‌آوری را که با او شد می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و مانند پطرس او را انکار نمی‌کردند یا مانند یهودیان او را به صلیب نمی‌کشیدند. اما خدایی که دل‌های همه را می‌خواند، همان محبتی را که ادعا می‌کردند نسبت به عیسی دارند، به آزمایش گذاشته است. تمام آسمان با عمیق‌ترین علاقه نظاره‌گر چگونگی پذیرش پیام فرشته نخستین بود. اما بسیاری از آنان که مدعی محبت به عیسی بودند و هنگام خواندن داستان صلیب اشک می‌ریختند، مژده آمدنش را به ریشخند گرفتند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، آن را توهمی اعلام کردند. کسانی که ظهور او را دوست می‌داشتند نفرت ورزیدند و آنان را از کلیساها بیرون راندند. آنان که پیام نخست را رد کردند، نتوانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب، که قرار بود ایشان را مهیا سازد تا با ایمان، همراه با عیسی، به قدس‌الاقداص مقدسه آسمانی وارد شوند، بهره‌ای نبردند. و با رد آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تیره کرده‌اند که در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداص را نشان می‌دهد، هیچ نوری نمی‌بینند. دیدم همان‌گونه که یهودیان عیسی را به صلیب کشیدند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را به صلیب کشیده‌اند؛ از این رو از راه ورود به قدس‌الاقداص هیچ آگاهی ندارند و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. همچون یهودیان که قربانی‌های بی‌حاصل خود را تقدیم می‌کردند، ایشان نیز دعا‌های بی‌حاصلشان را به بخشی تقدیم می‌کنند که عیسی آن را ترک کرده است؛ و شیطان، که از این فریب خشنود است، سیمایی دینی به خود می‌گیرد و اندیشه‌های این مسیحیان اسمی را به سوی خود می‌کشاند و با قدرت خود، آیات و شگفتی‌های دروغینش عمل می‌کند تا آنان را در دام خود استوار نگاه دارد. نوشته‌های نخستین، ۲۵۹-۲۶۱.

اگر پیام هشداردهنده‌ای را که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر آن است بپذیریم، آن‌گاه وقتی قانون یکشنبه فرا برسد، به فرض اینکه هنوز زنده باشیم، بی‌گمان آن را خواهیم پذیرفت. با این حال، آزمونی که در آن سرنوشت ابدی خود را تعیین می‌کنیم، و آزمونی که باید پیش از آن که در هنگام قانون یکشنبه مهر

شویم از آن بگذرانیم—که همان آزمونی است که باید پیش از پایان مهلت از آن بگذرانیم—دومین آزمون است، و آن آزمون تصویر وحش است.

خداوند به روشنی به من نشان داده است که شمایل وحش پیش از پایان یافتن مهلت آزمایشی شکل خواهد گرفت؛ زیرا قرار است آزمون بزرگی برای قوم خدا باشد که به وسیله آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد. موضع شما چنان در هم و برهمی از ناسازگاری‌هاست که تنها معدودی فریب خواهند خورد.

در مکاشفه ۱۳ این موضوع به روشنی بیان شده است؛ [مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۷، نقل شده].

این همان آزمایشی است که قوم خدا باید پیش از آن که مَهر شوند، از سر بگذرانند. همه کسانی که با نگاه داشتن شریعت او وفاداری خود را به خدا ثابت کرده و از پذیرفتن سبت جعلی سر باز زده‌اند، زیر پرچم بیهوه، خداوند خدا، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. کسانی که از حقیقت با منشأ آسمانی دست می‌کشند و سبت یکشنبه را می‌پذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد. Manuscript Releases، جلد 15، 15.

آزمون دوم در دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، آزمونی دیداری نبوتی است. این آزمون مستلزم تشخیص شکل‌گیری تصویر وحش در ایالات متحده است، و آن آزمون تنها از طریق کلام نبوتی خدا آشکار می‌شود. فراتر از این، کلام نبوتی خدا را تنها کسانی درک خواهند کرد که خوردن پیام باران آخر را برگزینند؛ پیامی که به صورت روش «خط بر خط» نمایانده شده است. اگر از خوردن پیامی که هنگام فرود آمدنش در دست فرشته نیرومند مکاشفه هجده است سر باز زنیم، توانایی تشخیص شکل‌گیری تصویر وحش را نخواهیم داشت.

برای اینکه بتوان پیام در دست فرشته را خورد، لازم است که شاگرد نبوت ببیند که فرشته پیامی در دست دارد. وقتی فرشته نیرومند مکاشفه باب هجدهم فرود می‌آید، آیه چیزی را در دست او مشخص نمی‌کند، اما روش «خط بر خط» با چندین شاهد ثابت می‌کند که همواره در دست فرشتگانی که نزول می‌کنند پیامی هست. کسانی که روش «خط بر خط» را رد می‌کنند، نسبت به پیامی کورند که نشان می‌دهد تصویر وحش در ایالات متحده در حال شکل‌گیری است. این باید شناخته شود، زیرا سرنوشت ابدی ما بر شناخت این حقیقت استوار است. خط بر خط، خواهر وایت و ویژگی‌های نبوتی فرشته نخست را با همان ویژگی‌های فرشته نیرومند مکاشفه باب هجدهم مطابقت می‌دهد.

به من نشان داده شد که تمام آسمان چه اندازه به کاری که بر زمین جریان داشت اهتمام می‌ورزید. عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور کرد که فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد تا برای ظهور دوم او آماده شوند. چون فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بس درخشان و پر جلال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این است که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را نسبت به خشم قریب‌الوقوع خدا هشدار دهد. انبوهی از مردم آن نور را پذیرفتند. برخی از آنان بسیار موقر و جدی می‌نمودند، در حالی که دیگران شادمان و به وجد آمده بودند. همه کسانی که آن نور را پذیرفتند چهره‌های خود را به سوی آسمان برگرداندند و خدا را تمجید کردند. با آنکه آن نور بر همه افشانده شد، برخی تنها زیر تأثیر آن قرار گرفتند، اما از دل آن را نپذیرفتند. بسیاری آکنده از خشمی بزرگ شدند. کشیشان و مردم با شریران همداستان شدند و سخت در برابر نوری که از سوی آن فرشته نیرومند افشانده می‌شد ایستادگی کردند. اما همه آنان که آن را پذیرفتند از جهان کناره گرفتند و به طور تنگاتنگ با یکدیگر متحد شدند.

شیطان و فرشتگانش به شدت مشغول تلاش بودند تا ذهن‌های هرچه بیشتری را از نور دور کنند. جماعتی که آن را رد کردند، در تاریکی رها شدند. دیدم فرشته خدا با عمیق‌ترین توجه مراقب کسانی بود که خود را قوم او می‌خواندند، تا منش آنان را، که هنگام عرضه پیام با منشأ آسمانی

بر ایشان از خود بروز می‌دادند، ثبت کند. و چون بسیاری از کسانی که مدعی محبت به عیسی بودند با تمسخر، استهزا و نفرت از پیام آسمانی روی برتافتند، فرشته‌ای با طوماری در دست آن ثبت شرم‌آور را به انجام رساند. تمام آسمان از خشم آکنده شد که عیسی بدین‌سان از سوی پیروان مدعی‌اش خوار شمرده شود. نوشته‌های آغازین، ۲۴۵، ۲۴۶.

در این بخش، فرشته نخستِ باب چهاردهم مکاشفه «مأمور شد» که فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد تا برای ظهور دوم او آماده شوند، که همان کار فرشته باب هجدهم مکاشفه است. مأموریت فرشته نخست این بود «که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از خشم قریب‌الوقوع خدا هشدار دهد»، که بار دیگر همان مأموریت فرشته باب هجدهم است. آنان که پیام را پذیرفتند «خدا را تمجید کردند»، و آنان که پیام را رد کردند «در تاریکی مطلق رها شدند».

دانیال و سه دلاور خوراک آسمانی را برگزیدند، و گروه دیگر خوراک بابل را خوردند. در پایان آزمون «دیداری» ده‌روزه، دانیال و یارانش خدا را تمجید کردند، زیرا چهره‌هایشان به‌طور مشهود فریبه‌تر و نیکوتر از چهره کسانی بود که خوراک بابل را می‌خوردند. پیام فرشته اول در باب چهاردهم مکاشفه، در تعیین انجیل جاودانی، هر سه آزمون را نمایان می‌سازد. آزمون نخست ترسیدن از خداست، دومی جلال دادن به او، و سومین آزمون زمانی است که ساعت داوری فرا می‌رسد. آنان که کتابچه را از دست فرشته اول گرفتند و خوردند، چنان‌که در باب دهم به‌وسیله یوحنا نمایانده شده است، در آزمون دوم خدا را تمجید کردند، و آنگاه آماده شدند تا وارد داوری نبوکدنصر شوند. خط بر خط، آزمون نخست در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ این بود که آن کتابچه را که در دست فرشته نیرومند بود، بخورند. آن آزمون آزمون بعدی را در پی داشت که در آن دو طبقه از عبادت‌کنندگان می‌بایست پیشاپیش آزمون سوم و نهایی لیتموس آشکار شوند؛ آزمونی که صرفاً یا سرشتی جلال‌یافته را نشان می‌داد، یا سرشتی آکنده از تاریکی.

زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، دوره‌ای است از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون روز یکشنبه که به‌زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد. در آن دوره، مثل ده باکره عیناً و حرف‌به‌حرف تکرار و تحقق خواهد یافت. این واقعیت نشان می‌دهد که تاریخ نبوی باب دوم حقیق نیز عیناً و حرف‌به‌حرف تکرار و تحقق خواهد یافت. همچنین به این معناست که دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار همان دوره‌ای است که در آن اثر هر رؤیای نبوی عیناً و حرف‌به‌حرف تکرار و تحقق می‌یابد.

کتاب دانیال، باب یازدهم، آیه چهل، در وقت آخر سال ۱۹۸۹ مهرش گشوده شد. این آیه با وقت آخر سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و با مشخص کردن وقت آخر در سال ۱۹۸۹ پایان می‌یابد. خط بر خط، وقت آخر ۱۷۹۸ با وقت آخر ۱۹۸۹ مطابقت دارد. تاریخ آیه چهل، که از ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و تا «قانون یکشنبه» در آیه چهل‌ویک ادامه می‌یابد، تاریخ «وحش زمین» (ایالات متحده) را به‌عنوان ششمین پادشاهی در نبوت‌های کتاب مقدس نمایان می‌کند. دو شاخ وحش زمین، یعنی جمهوریت و پروتستانتیسم، با آن دو «وقت آخر» نمایانده می‌شوند.

در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، شاخ پروتستان در طول آزمون دوم از سه آزمون آن دوره زمانی، دو دسته پرستنده پدید خواهد آورد. یک دسته صورت مسیح را در خود پرورده‌اند و دسته دیگر صورت وحش را. در آن دوره آزمایش، شاخ جمهوری‌خواه با شاخ پروتستان مرتد هم‌پیمان می‌شود و، هنگامی که کلیساهای پروتستان زمام حکومت مدنی را به دست می‌گیرند، تصویری از وحش را شکل می‌دهند. آن دوره زمانی در هر رؤیایی که در کلام خدا آمده است نمایانده شده است، زیرا در همین‌جاست که هر یک از «کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند».

آزمون دوم در آن تاریخ، آزمون «تصویر وحش» است؛ هم درونی برای دوشیزگان و هم بیرونی برای سیاستمداران دو حزب سیاسی رقیب. آن آزمون همان آزمونی است که باید آن را «پیش از پایان

مهلت»، در هنگام قانون یکشنبه قریب الوقوع، پشت سر بگذاریم. آن آزمون، همان آزمونی است که آن را «پیش از آن که مهر شویم» می‌گذرانیم. آن آزمون، آزمونی است که در آن «سرنوشت ابدی ما تعیین خواهد شد».

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

فرشته قدرتمند دیگری مأمور شد که به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای در دست او گذاشت، و چون به زمین آمد، ندا داد: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است.» سپس دیدم نومیدشدگان بار دیگر چشمان خود را به سوی آسمان بالا بردند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوندشان بودند. اما بسیاری چنان می‌نمودند که در حالتی مدهوش، گویی در خواب، مانده‌اند؛ با این همه، آثار اندوهی عمیق را بر چهره‌هایشان می‌دیدم. نومیدشدگان از کتب مقدس دریافتند که در دوران تأخیر به سر می‌برند و اینکه باید با شکیبایی در انتظار تحقق رویا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت تا در سال ۱۸۴۳ در پی ظهور خداوندشان باشند، موجب شد در سال ۱۸۴۴ نیز انتظار او را بکشند. با این حال دیدم که اکثریت، آن نیرو و شوری را که ایمانشان را در سال ۱۸۴۳ رقم می‌زد، دیگر نداشتند. ناامیدی‌شان ایمانشان را سست کرده بود. . .

هنگامی که خدمت عیسی در مکان مقدس پایان یافت و او به قدس‌الاقداص گذشت و در برابر تابوت عهد که شریعت خدا در آن بود ایستاد، فرشته نیرومند دیگری را با پیامی سوم به جهان فرستاد. طوماری در دست فرشته گذاشته شد، و چون با قدرت و جلال به سوی زمین فرود می‌آمد، هشدار هولناک را اعلام کرد، با ترسناک‌ترین تهدیدی که تا آن زمان به انسان رسانده شده بود. این پیام برای آن بود که فرزندان خدا را بر حذر دارد، با نشان دادن ساعت آزمایش و اندوهی که پیش رو داشتند. فرشته گفت: «آنان به نبردی تنگاتنگ با وحش و تمثال او کشانده خواهند شد. یگانه امیدشان به حیات جاودان، پایدار ماندن است. هرچند جانشان در خطر است، باید حقیقت را محکم نگاه دارند.» فرشته سوم پیام خود را چنین خاتمه می‌دهد: «اینجاست شکیبایی مقدسان؛ اینان‌اند که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را.» وقتی این کلمات را تکرار می‌کرد، به قدس آسمانی اشاره کرد. افکار همه کسانی که این پیام را می‌پذیرند به قدس‌الاقداص معطوف می‌شود، جایی که عیسی در برابر تابوت ایستاده است و برای همه کسانی که هنوز رحمت شامل حالشان است و نیز برای کسانی که از روی نادانی شریعت خدا را شکسته‌اند، آخرین شفاعت خود را به‌جا می‌آورد. این کفار هم برای مردگان عادل و هم برای زندگان عادل به‌جا آورده می‌شود. این شامل همه کسانی است که با توکل به مسیح مرده‌اند، اما چون نور مربوط به احکام خدا را نیافته بودند، در تخطی از فرامین آن از روی نادانی گناه کرده بودند. نوشته‌های نخستین، 245، 255.